



The Nature of the Mamumah; Necessity or Not Necessary of Wound and Damage to the Skull

**Taha Zargarian^{1*} PhD**¹ Department of Law, Ayatollah Boroujerdi University, Borujerd, Lorestan, Iran***Correspondence to:** Taha Zargarian, Email Tahazargariyan93@gmail.com

ARTICLE INFO

Article history:

Received: January 14, 2024
Accepted: April 9, 2024
Online Published: May 14, 2024

Keywords:

Crime
Mamumah
Skull
Wound

HIGHLIGHTS

1. The explanation of the Mamomeh of the mission in the relevant laws is accompanied by ambiguities, the result of which has led to many votes.
2. The realization of the Mamomeh depends on the penetration of the weapon of the crime into the skull, through the injury of the scalp and the fracture of the skull without damaging the brain bag.

ABSTRACT

The ransom for the crime of Mamomeh is determined at the amount of one-third of the full human ransom in accordance with Clause (h) of Article 709 of the Islamic Penal Code. The amount of ransom for the crime indicates the extent of the crime. The legislator's insistence on not retribution punishment to the Mamomeh in charge under Article 401 of the Penal Code demonstrates the sensitivity and seriousness of the crime of the Mamomeh. The scale, sensitivity and seriousness of the crime make it necessary to clarify the nature of the crime as much as possible. The realization of some crimes in Iran's jurisprudence and law system depends on how the crime was created; The main Question of the current research is that the presence of injury and damage to the skull has a place in the realization of the crime of mamumah. Based on the descriptive-analytical method, the present research has evaluated the traditions and viewpoints of Imamiyya jurists and has found that the realization of the crime of mamumah depends on the penetration of the instrument of the crime into the skull; The scalp must be split and the skull fractured to introduce the instrument of crime to the border of the brain bag.

How to cite: Zargarian T. The nature of the mamumah; necessity or not necessary of wound and damage to the skull. Iran J Forensic Med. 2024;30(2):83-92.



مختصات ماهیت مأمورمه؛ پژوهشی در لزوم جراحت و آسیب جمجمه

طه زرگریان^{*} PhD^۱ گروه حقوق، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، لرستان، ایران^{*}نویسنده مسئول: طه زرگریان، پست الکترونیک: Tahazargariyan93@gmail.com

چکیده

میزان یک سوم دیه جنایت مأمورمه، بیانگر بزرگی این جنایت است. همچنین اصرار قانون‌گذار به جلوگیری از قصاص مأمورمه طی ماده ۴۰۱ ق.م، بیانگر میزان حساسیت و خطرناک بودن آن است. بزرگی جنایت مأمورمه، حساسیت و خطرناک بودن آن، ضرورت هرچه واضح‌تر شدن ماهیت جنایت مأمورمه را می‌طلبد. اما تبیین ماهیت مأمورمه در قوانین موضوعه همراه با ابهام‌هایی است که نتیجه آن به تعدد آراء انجامیده است. مهم‌ترین ابهام ماهیت مأمورمه به لزوم یا نبود لزوم وجود جراحت و همچنین به لزوم یا نبود لزوم وجود آسیب به جمجمه در تحقق جنایت مأمورمه بازمی‌گردد. تحقق بعضی از جنایات در نظام فقه و حقوق ایران در گرو چگونگی ایجاد جنایت است. مسئله اصلی پژوهش حاضر عبارت از آن است که وجود جراحت و آسیب به جمجمه در تحقق جنایت مأمورمه از چه جایگاهی برخوردار است. پژوهش حاضر به ارزیابی روایات و دیگاه فقهای امامیه پرداخته و نشان داد که تحقق جنایت مأمورمه در گرو نفوذ آلت جنایت به درون جمجمه است؛ به گونه‌ای که پوست سر، لزوماً از طریق جراحت شکافته شود و جمجمه را شکسته و بدون آنکه ضرورتی برآسیب به کیسه مغز باشد، تا مرز آن نفوذ کند.

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

۱۴۰۲/۱۰/۲۴

دریافت:

۱۴۰۳/۰۱/۲۱

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۲۵

انتشار برخط:

واژگان کلیدی:

جنایت

مأمورمه

جمجمه

جراحت

نکات ویژه

۱- تبیین ماهیت مأمورمه در قوانین موضوعه همراه با ابهام‌هایی است که نتیجه آن به تعدد آراء انجامیده است

۲- تحقق جنایت مأمورمه در گرو نفوذ آلت جنایت به درون جمجمه، از طریق جراحت پوست سر و شکسته شدن جمجمه بدون آنکه آسیب به کیسه مغز برساند، می‌باشد.

مقدمه

«مأمورمه» محسوب می‌شود زیرا با مذاقه در تعریف مورد نظر که تلاش قانون‌گذار را در «جرح دانستن» و «به کیسه مغز رسیدن» جنایت «مأمورمه» می‌داند، می‌توان هدف قانون‌گذار را از تعریف مذکور، شناساندن مختصات «مأمورمه» دانست. اما تعریف مورد بحث در ماده ۷۰۹ ق.م، با ابهاماتی همراه است که موجبات سردرگمی کارشناسات پژوهشی قانونی را فراهم کرده است. اولین ابهام مورد نظر به موضوعیت یا طریقیت واژه «جراحت» در بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م بازمی‌گردد. آیا جنایت مأمورمه که مطابق با ادعای قانون، باید به کیسه مغز برسد، منحصر از طریق جراحت حاصل می‌شود

جنایت «مأمورمه» در عضو سر واقع شده و دارای یک سوم دیه کامل انسان است. جنایت مأمورمه را می‌توان در دسته جرایم جنایی پرخطر قرار داد. واقع شدن این جنایت در سر انسان و همچنین میزان یک سوم دیه برای جنایت مأمورمه، بیانگر پرخطر بودن جنایت مورد بحث است. قانون‌گذار جزایی به تبع فقه جزایی، جنایت «مأمورمه» را در کتاب قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار داده و طی بند «ح» ماده ۷۰۹ مقرر کرده است: «مأمورمه، جراحتی است که به کیسه مغز برسد». تعریف مذکور در قانون مجازات اسلامی به مثابه ماهیت‌شناسی

ارزندهای در حوزه جنایت بر سر و جمجمه انسان است. اما همه تحقیقات موجود در عرصه پزشکی به ارزیابی‌های تخصصی منحصر شده و کمتر از مسائل حقوقی درباره موضوع مربوطه سخن گفته شده است. با رجوع به حوزه پژوهشی حقوق، معلوم می‌شود اثر متمنکری درباره بحث مورد نظر موجود نیست. با این حال فقهای امامیه، بحث مورد نظر را در آثار فقهی خود وارد کرده و بحث و بررسی‌های قابل توجهی درباره آن انجام داده‌اند. کتاب «جوهارالکلام» از محقق نجفی و کتاب «مهذب الاحکام» از محقق سبزواری در این باره قابل مطالعه است. با این وجود، پژوهشی مستقل و منسجم که جنایت مأموره را با نگاه فقهی و قانونی مورد ارزیابی قرار دهد در مقالات علمی-پژوهشی معابر قابل مشاهده نیست.

مفهوم‌شناسی

جراحت: واژه «جرح» به معنای «شکافتن پوست» است. جراحت در اصطلاح فقهی مبتنی بر مقدار میزانی که از خراسیدگی پوست تا نفوذ در گوشت رخ می‌دهد، مصاديق متفاوتی دارد. در همه موارد، زخم پدید آمده در بدن با آلات جرح و مانند آن جراحت نامیده می‌شود [۶]. جراح در اصطلاح پزشکی به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خونریزی تؤمند [۲۵]. جمجمه: جمجمه در اسکلت محوری از ۲۲ استخوان تشکیل شده که شکستگی آن بهخصوص در ناحیه قاعده به دلیل مجاورت با اعصاب و عروق مهمی از اهمیت زیادی برخوردار است. جمجمه که یک ساختار استخوانی است، به عنوان چارچوب سر عمل کرده و مغز را از صدمه دیدن حفظ می‌کند [۴].

موضوع‌شناسی

مأموره در اصطلاح جزایی: واژه مأموره به عنوان یک جنایت دارای دیه مقدر در منابع فقهی مورد بحث و بررسی فقهها واقع شده است. با مذاقه در مبانی بحث مأموره معلوم می‌شود اصطلاح مأموره و طرح آن به عنوان یک جنایت

یا به هر طریق ممکن دیگر مانند ایراد صدمه، امکان وقوع مأموره خواهد بود؟ به سخن دیگر می‌توان بیان کرد آیا وجود جراحت برای تحقق مأموره موضوعیت دارد و یا صرفاً جایگاه طریقتی برای تحقق مأموره را داشته و از هر طریق دیگری امکان وقوع مأموره ممکن است؟ دو مین ابهام به عبارت «به کیسه مغز برسد» بازمی‌گردد، زیرا معلوم نیست مقصود قانون‌گذار از «به کیسه مغز برسد» رسیدن آلت جنایت به پوسته مغز است به‌گونه‌ای که پوسته مغز هم با آلت جنایت درگیر شود یا اینکه رسیدن آلت جنایت به پوسته مغز لازم نبوده و توقف آن تا قبل از پوسته مغز، شرط تحقق مأموره است؟ ابهام سوم به جایگاه جمجمه سر در تحقق جنایت مأموره بازمی‌گردد، زیرا باید مشخص شود آیا تحقق جنایت مأموره لزوماً به شکستگی جمجمه منوط است یا اینکه شکستن جمجمه در مأموره شرط نبوده و صرف رسیدن آلت جنایت از هر طریق ممکن به مغز، برای تحقق مأموره کافی است؟ همان‌طور که پیشتر گفته شد ابهامات مورد نظر موجب سردرگمی کارشناسان پزشکی قانونی شده و بالطبع به ابهامات حقوقی و قانونی انجامیده است. تبیین ماهیت جنایت در نظام جزایی کشور ایران از اهمیت بهسازی برخوردار است، زیرا قوانین جزایی کشور ایران از نظام فقه جزایی تبعیت کرده و موضوع دیات و جنایات در فقه جزایی از قواعد کاملاً خاص و منحصر به فردی تبعیت می‌کند.

میزان دیه جنایت در نظام فقه جزایی، ارتباط مستقیمی با مختصات آن جنایت دارد. بر این اساس لازم است تمام مختصات جزئی یک جنایت همان‌طور که در منابع شرعی آمد، استخراج شود و در قامت قانون قابل استناد باشد. هرچند یافتن دقیق‌ترین جزئیات ماهیت همه جنایت از اهمیت بالایی برخوردار است، اما یافتن این امر درباره جنایت مأموره دوچندان است زیرا مأموره دارای یک سوم دیه کامل است که در تقسیم میزان دیات از جمله جنایات با دیه بالا محسوب می‌شود. تتبّع پژوهشی در آثار فقهی، حقوقی و پزشکی حاکی از مقالات و تحقیقات

«جراحت» اقدام کرده، اما حصری بودن تحقق مأمورمه از طریق جراحت در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. از دیگر ابهامات موجود در ماهیت مأمورمه، کمیت آسیب‌های وارد برای تحقق مأمورمه است. لزوم شکسته شدن جمجه در تحقق مأمورمه مورد اختلاف واقع شده است. از جمله دلایل ابهامات مذکور درباره مأمورمه، واضح نبودن ماهیت آن در کتاب قانون است. قانون‌گذار کتاب مجازات اسلامی عمق نفوذ مأمورمه را با عبارت «تا کیسه مغز برسد» تقینی کرده اما مراد عبارت مذکور مورد اختلاف واقع شده که آیا آسیب دیدن کیسه مغز را باید بخشی از تحقق مأمورمه دانست یا اینکه آسیب کیسه مغز از هیچ موضوعیتی در تحقق مأمورمه برخوردار نیست؟ بر اساس مطالب مذکور، معلوم می‌شود ماهیت مأمورمه با ابهامات مواجه است که تبیین آن نیازمند جستجوهای فقهی است، زیرا همان‌طور که پیش‌تر آمد اصطلاح مأمورمه دارای حقیقت شرعی است و تنها با مراجعه به متون فقهی و روایات صادر شده درباره آن می‌توان به ماهیت صحیح و دقیق آن دست یافت.

مختصات ماهیت مأمورمه

مأمورمه به عنوان یک جنایت دارای یک ماهیت مختص به خود است که هرگاه تمام جزئیات آن ماهیت محقق شود، می‌توان گفت جنایت مأمورمه واقع شده است. برای یافتن مختصات ماهیت مأمورمه می‌توان سه مؤلفه مهم را که نقش مهمی در تشکیل ماهیت مأمورمه دارند، مورد ارزیابی و شناسایی قرار داد. اولین مؤلفه مهم در شناسایی ماهیت مأمورمه عبارت است از « محل مأمورمه» زیرا شناسایی محل واقع شدن جنایت، می‌تواند جایگاه مؤثری در تمایز مژده جنایت مورد نظر از جنایات دیگر داشته باشد. دومین مؤلفه مهم به «کیفیت ایجاد مأمورمه» بازمی‌گردد. مقصود از کیفیت ایجاد مأمورمه، چگونگی درگیر شدن محل جنایت با آلت جنایت است. مشخص شدن کیفیت درگیر شدن محل جنایت در مأمورمه می‌تواند نقش مؤثری در ممیزی ماهیت آن نست به ماهیت دیگر جنایات ایجاد کند. سومین مؤلفه مهم در شناسایی مختصات ماهیت

از روایات نشأت گرفته و آنگاه وارد ادبیات فقه امامیه شده است. با رجوع به منابع روایی معتبر، روایات متعددی می‌توان یافت که واژه «مأمورمه» در آن ذکر شد و برخی احکام آن تبیین شده است [۲۸]. مفاد روایت مذکور در منابع من لایحضره الفقيه و وسائل الشیعه به ترتیب پیش رو قابل مطالعه است [۲۳]. براساس روایات مذکور، می‌توان دریافت مأمورمه به عنوان یک جنایت شناخته شده در منابع روایی و منابع فقه امامیه قابل تأیید است. قانون‌گذار جزایی با تبعیت از فقه جزایی به جنایت مأمورمه توجه داشته است. با مذاقه در قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت واژه مأمورمه، سه بار در قانون مجازات اسلامی تکرار شده است. اما مهم‌ترین ماده‌ای که قانون‌گذار درباره مأمورمه وضع کرده و به تعریف و تقویم میزان دیه آن پرداخته بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا است: «مأمورمه جراحتی است که به کیسه مغز برسد، یک سوم دیه کامل است. تتابع در قوانین قدیم جزایی، یعنی قوانین سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، بیانگر آن است که تعریف اصطلاح مأمورمه در آن سال‌ها با تعریف بند «ح» ماده ۷۰۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ همسو است.

ماهیت مأمورمه: جنایاتی که بر انسان وارد می‌آید، ناظر بر نوع کمیت و کیفیت حادثه متفاوت است. جنایات ایجاد شده، خواه شکستگی باشد یا بریدگی و یا هر چیز دیگری مانند زوال منافع، ناگزیر یا از طریق صدمه و بدون جراحت ایجاد می‌شود و یا از طریق جراحت ایجاد می‌شود. هرچند نوع جنایت و چگونگی ایجاد آن در دانش پزشکی به ماهو دانش پزشکی موضوعیت ندارد، اما نوع جنایت و طریق آن در دانش فقه جزایی و به تبع آن در قوانین مجازات اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است، تا جایی که تحقق جنایت با دیه مختص آن منوط به شناسایی دقیق طریق ایجاد آن جنایت است. ثبوت دیه بعضی از جنایات در اندیشه جزایی از طریق صدمه قابل تحقیق نیست، همان‌طور که ثبوت دیه بعضی جنایات از طریق جراحت قابل تحقیق نیست. اکنون سخن از جنایت «مأمورمه» است. هرچند قانون‌گذار مجازات اسلامی در تعریف مأمورمه به بیان واژه

می شود که در نواحی سر و صورت ایجاد می شود [۲۶]. بر اساس مطالبی که در روایات آمد، مانند آنکه محل مأموره را به صراحت در «سر» معرفی می کند و همچنین ناظر بر تعبیر فقهی «أم الدماغ؛ کیسه مغز» و «أم الرأس؛ کیسه مغز» که از فقهای امامیه درباره محل مأموره صادر شده، معلوم می شود محل ایجاد جنایت مأموره در انسان، سر انسان و نواحی سر مانند پیشانی است که مسیری برای رسیدن به جمجمه و کیسه مغز است. جستجوی لغوی درباره واژه «مأموره» مؤید حکم مذکور است زیرا «مأموره» اسم مفعول از ریشه «أم» به معنی هر چیزی است که محوریت اصلی و نقش اساسی را در هر چیزی به عهده دارد. از این رو مغز را «أم الرأس» می خوانند زیرا مغز محوریت اساسی را در بدن انسان به عهده داشته و دیگر متعلقات با محوریت آن به فعالیت خود می پردازند [۵]. در زبان عرب، هرگاه ضربه‌ای به سر وارد شود و آن را بشکاف و به «أم الرأس» برسد، «آمه» یا «مأموره» خوانده می شود [۳۲-۲۹].

طريق ایجاد مأموره

لزوم جراحت مأموره در روایت: هرچند جنایت «مأموره» در ماده ۷۰۹ ق.م.ا ذیل جنایاتی مانند «هاشمه» و «مأموره» مورد تقین واقع شده، اما طريق ایجاد جنایت مأموره با دو جنایت پیشین کاملاً متفاوت است زیرا مختصات ماهیت جنایات هاشمه و منقله به شکستگی و جایه‌جایی استخوان بازگشته و منحصر در آن است، در حالی که ماهیت جنایت مأموره به رسیدن آلت جنایت به مرز کیسه مغز ختم می شود. به عبارت دیگر مسیری برای رسیدن آلت جنایت به مرز کیسه مغز به غیر از جرح پوستی سر و شکستن جمجمه متصور نیست. با جستجوهای روایی دریافت می شود لزوم وجود جراحت برای تحقق مأموره با دو اصطلاح «شجه» و «ناقبه» به شرح ذیل قابل بحث و بررسی است.

لزوم جراحت با عنوان شجه: روایتی که از مأموره در کتاب کافی موجود است، مأموره را با مشخصه طريق ایجاد آن

مأموره به «طريق ایجاد مأموره» بازمی گردد زیرا چگونگی طريق ایجاد جنایت مانند اینکه از طريق جراحت باشد یا صدمه و... از موضوعیت خاص در فقه امامیه برخوردار است، بر این اساس، با شناسایی طريق ایجاد مأموره می توان داده‌های مؤثری در شناخت ماهیت مأموره به دست آورد. بر اساس مطالب مذکور، ادامه پژوهش با ارزیابی سه بحث «محل ایجاد مأموره»، «کیفیت ایجاد مأموره» و «طريق ایجاد مأموره» تکمیل می شود.

محل ایجاد مأموره

سر به عنوان محل مأموره در روایات: مذاقه در برخی از روایات موجود درباره مأموره، بیانگر آن است که محل جنایت مأموره؛ سر انسان است [۹]. سند روایتی که محل مأموره را سر انسان می داند دارای شهرت فتوایی است و مشهور فقها بر اساس آن فتوا داده اند [۳۰-۲۰].

سر به عنوان محل مأموره در فقه: محل جنایت مأموره در کلام فقها با دو روش کلیدی قابل بحث و بررسی است. اولین روش، رجوع به تعاریف صریحی است که فقهای امامیه از محل مأموره ارائه داده اند: «مأموره جنایتی است که به کیسه مغز برسد». [۱۶-۱۲]. عبارت «أم الدماغ؛ کیسه مغز» که در تعریف مذکور قابل مشاهده است به معنای کیسه مغز است و طبعاً کیسه مغز در سر انسان واقع شده است (طريحی، ۱۴۱۶، ۱۴/۶). بر این اساس، می توان دریافت محل جنایت مأموره؛ سر انسان است. همچنین تعریف پیش رو، مؤید محل جنایت مأموره در سر انسان است: «مأموره، رسیدن به أم الرأس است» [۱۹-۳۱]. عبارت «أم الرأس؛ کیسه مغز» در تعریف مذکور به معنای همان کیسه مغز است که طبعاً در سر انسان واقع شده است. دومین روشنی که می توان محل جنایت مأموره را در کلام فقها، سر انسان دانست، تقسیم فقهای امامیه از اصطلاحات «جراح» و «شجاج» است، زیرا همان‌طور که در مباحث بعدی مقاله خواهد آمد جنایت مأموره در فقه امامیه با عنوان «الشَّجَةُ الْمَأْمُوَّمَةٌ؛ جراحت مأموره» مشهور است و «شجه» در اصطلاح فقه جزایی به جراحتی اطلاق

«جرح» زخم‌های پدید آمده در سر و صورت را با عنوان «شجاج» و زخم‌های پدید آمده در غیر سر و صورت را با عنوان «جراح» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند [۱۱]. اینکه فقهای امامیه جنایت مأموره را با واژه «شجه» مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند، بیانگر لزوم جراحت در تحقق مأموره است. لازم به ذکر است با وجود دسته‌بندی فوق، گروهی از فقها واژه جراحت را در مباحث فقهی به صورت عام به کار برده و زخم‌های سر و صورت را ذیل عنوان «جراح» بحث کرده‌اند، اما حائز اهمیت است حتی این گروه از فقها که واژه جراحت را به صورت عام استفاده کرده‌اند، وقتی نوبت به اجرای احکام در جراحات سر و صورت می‌رسد کاملاً تابع قوانین شجاج هستند [۳۱]. همچنین مذاقه در تعریف مأموره از نگاه فقهی می‌تواند لزوم تحقق مأموره از طریق جراحت را تأیید کند، زیرا فقهای امامیه جنایت مأموره را با تعبیر «و هي التي تبلغ أَمَّ الدِّمَاغَ: مأموره جراحتی است كَه بِهِ كَيسَهُ مَغْزِي بَرَسَدٍ» مورد شناسایی قرار می‌دهند [۲۰]. با مذاقه در عبارت مذکور می‌توان دریافت تحقق مأموره در کلام فقها منوط شد. چگونه ممکن است جنایت به کيسه مغز است؟ اما هیچ‌گونه جراحتی ایجاد نکند، در حالی که کيسه مغز درون جمجمه و گوشت سر انسان واقع شده است؟ استفتای پیش رو، مطالب مذکور را تأیید می‌کند: «شخصی به سر دیگری ضربه زده که آن ضربه موجب جراحت پوست سر نشده، اما منجر به خونریزی مغزی مضروب شده است. آیا ضارب باید به حکم مأموره ثلث دیه را بپردازد یا ارش بدهد؟ مأموره درمورد جرح است، بنابراین در مورد سؤال باید ارش را بپردازد» [۱۸].

کیفیت ایجاد مأموره

نفوذ تا کيسه مغز در روایات: بر اساس روایات فوق‌الذکر معلوم شد جنایت مأموره در سر انسان واقع می‌شود. اما اینکه کجای سر باید مورد جنایت واقع شود تا مأموره حادث شود، موضوعی است که از روایات پیشین قابل

که «جراحت» است توصیف می‌کند [۱۳]. همان‌طور که از نص روایت مذکور مشخص است مأموره در سؤال روایت با عنوان «الشَّجَةُ» طرح شده و امام صادق(ع) بدون هیچ‌گونه ایرادی نسبت به حمل «الشَّجَةُ» بر مأموره به بیان میزان دیه آن می‌پردازند. حمل «الشَّجَةُ» بر مأموره در روایات دیگر و با سلسله اسناد دیگر، قابل مطالعه است [۲۸، ۲]. واژه «شَجَةُ» نزد لغویین به معنای زخم سر است [۵]. بر اساس ارزیابی‌های فوق‌الذکر از اصطلاح «شَجَةُ» که در روایات تحقق مأموره موجود است، معلوم می‌شود جنایت مأموره از طریق جراحت قابل تحقق است زیرا تحقق «شَجَةُ» که رسالت معرفی مأموره را به عهده دارد، بدون جراحت و ایجاد زخم غیرممکن است.

لزوم جراحت با عنوان ناقبه: روایت مشهوری در منابع روایی امامیه موجود است که با عنوان روایت «ظریف بن ناصح» مشهور است. سند روایت مورد نظر به ظریف بن ناصح بازمی‌گردد که اثبات اعتبار آن پیشتر نگاشته شد. اما بخشی از روایت ظریف بن ناصح به طریق ایجاد مأموره اشاره دارد: «هُرَّگَاه ناقبَه ای در سر ایجاد شود، مأموره نامیده می‌شود» [۲۸]. همان‌طور که از روایت مذکور مشخص است، جنایت مأموره از طریق «ناقبه» قابل وقوع است. معنای مشهور واژه ناقبه عبارت است از «سوراخ کردن» [۱]. معنای دقیق‌تر ناقبه عبارت است از سوراخ که نفوذ‌کننده نیست [۱]. مطابق با معنای مذکور می‌توان گفت معنای مشهور و پرکاربرد «نقب و ناقبه» همان سوراخ غیرنافذه است؛ سوراخی که از یک طرف وارد می‌شود اما از طرف دیگر خارج نمی‌شود. بر اساس ارزیابی‌های فوق‌الذکر از اصطلاح «ناقبه» که در روایات تحقق مأموره موجود است، معلوم می‌شود جنایت مأموره از طریق جراحت قابل تحقق است زیرا با توجه به مفاهیمی که از واژه ناقبه ارائه شد، چگونه می‌توان تحقق مأموره را که اساس آن «ناقبه: سوراخ» در محل جنایت است، بدون ایجاد جراحت تصور کرد؟

لزوم جراحت مأموره در فقه: فقهای امامیه بر اساس روایات مذکور و همچنین با توجه به مشخصات لغوی «شَجَةُ» و

مورد بحث است، عبارت از تعریف پیش رو است: «مأمورمه جنایتی است که به کیسه مغز برسد» (۱۶؛ ۱۲). عبارت «أم الدِّمَاغِ» در تعریف مذکور به معنای کیسه حاوی مغز است (طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴/۶). بنابراین عبارت «مأمورمه جنایتی است که به کیسه مغز برسد» به معنای آن است که جنایت مأمورمه تا کیسه مغز نفوذ می‌کند (۱۹؛ ۳۱). تا اینجای بحث معلوم شد تحقیق مأمورمه در گرو لزوم نفوذ جنایت تا کیسه مغز است، اما لزوم آسیب به کیسه مغز از تعریف مذکور قابل دریافت نیست بلکه برای دریافت حکم مذکور می‌توان تعریف دیگری از مأمورمه را که مکمل تعریف مذکور است، مورد توجه قرار داد: «مأمورمه عبارت است از رسیدن به أم الرأس که همان کیسه حاوی مغز در حالی که آن کیسه پاره نمی‌شود». [۲۷] تعریف مذکور تا قبل از عبارت «آن کیسه پاره نمی‌شود» با تعاریف پیشین مأمورمه یکسان است و از هیچ‌گونه مطلب جدیدی برخوردار نیست، اما با اضافه شدن عبارت «آن کیسه پاره نمی‌شود» مطلب جدید به تعریف جنایت مأمورمه اضافه می‌شود که به واسطه آن می‌توان کیفیت جنایت مأمورمه را دقیق‌تر دریافت کرد. بر اساس مطالب مذکور دریافت می‌شود تحقیق جنایت مأمورمه در گرو نفوذ جنایت تا کیسه مغز است بدون آنکه لزومی در پاره شدن کیسه مغز باشد. نفوذ جنایت مأمورمه تا مرز کیسه مغز، دیدگاه مشهور فقهای امامیه است [۱۴]. استفتای پیش رو از فقهای معاصر می‌تواند گویای تأیید مطالب مذکور باشد: «همان‌گونه که مستحضرید جرم دامنه دیه و ارش دارد، اما پژوهشی قانونی ارشی هم تحت عنوان کاهش استحکام جوار استخوان ناشی از گرانبوتومی اعلان کرده است؟ آیا جانی این ارش را هم باید بپردازد؟ جواب: تنها ارش پاره شدن پوسته مغز را، علاوه بر دیه مأمورمه، باید بپردازد». [۱۵] اگر پاره شدن کیسه مغز، جزئی از ماهیت جنایت مأمورمه بود، لزوم پرداخت ارش برای پاره شدن کیسه مغز بی‌معنا بود. بر اساس لزوم حکم پرداخت ارش برای پارگی کیسه مغز، معلوم می‌شود ماهیت مأمورمه تا قبل از آسیب به کیسه مغز است و آسیب به آن دارای حکم مستقل

دریافت نیست. با این وجود، با جستجو در منابع روایی می‌توان روایتی را درباره مأمورمه مورد مطالعه قرار داد که مختصات دقیقی از کیفیت ایجاد مأمورمه در اختیار قرار می‌دهد: «الْمَأْمُورَةِ...هِيَ الَّتِي نَفَدَتْ وَ لَمْ تَصِلْ إِلَى الْجَوْفِ فَهِيَ فِيمَا بَيْنَهُمَا...مَأْمُورَةٌ جَنَاحَتِيَّةٌ أَسْتَ كَهْ دَرْ سَرْ نَفَوْدَ كَنْدَ أَمَا بَهْ جَوْفَ مَغْزَ نَفَوْدَ مِنْيَ رَسَدَ، بَلْكَهْ مِيَانَ اسْتَخَوْنَ جَمَجمَهَ وَ كَيْسَهَ مَغْزَ مَتَوْقَفَ مِنْ شَوَدَ» (۱۳؛ ۲). بر اساس عبارت «وَهِيَ الَّتِي نَفَدَتْ»؛ معلوم می‌شود تحقیق جنایت مأمورمه در گرو نفوذ آلت جنایت به محل جنایت؛ یعنی جمجمه انسان است. با این حال میزان عمق نفوذ آلت جنایت، رابطه مستقیمی با تحقیق مأمورمه دارد که این مهم از ادامه روایت قابل دریافت است. با مذاقه در ادامه روایت مورد بحث معلوم می‌شود آلت جنایت تا جایی از جمجمه باید نفوذ کند که کیسه مغز را دچار آسیب نکند. آلت جنایت در جنایت مأمورمه نباید به کیسه مغز نفوذ کند، زیرا ورود آلت جنایت به مغز با عنوان جنایی «جائفة» طرح شده است. هرچند نگارنده ورود آلت جنایت به کیسه مغز را «جائفة» ندانسته، بلکه آن را «دامغه» می‌داند [۳۳] اما ذکر مختصات مأمورمه در روایت مورد بحث با مختصات شگرفی ترسیم شده است. مذاقه در بیان صاحبان منابع روایی کافی و «من لا يحضره الفقيه» درباره میزان عمق نفوذ آلت جنایت در تحقیق مأمورمه، مؤید مختصات مأمورمه در روایت مورد بحث است زیرا عمق نفوذ آلت جنایت در تعییر آنان، نفوذ جنایت تا مرز کیسه مغز است بدون اینکه کیسه مغز دچار آسیب شود [۲۳]. لازم به ذکر است روایت مورد بحث به حیث سندی مرسل است [۱۴] اما ضعف آن به دلیل استناد فقهاء به آن روایت و همچنین همسو بودن آن در تحقیق مأمورمه با روایات دیگر، قابل جبران است [۱۶].

نفوذ تا کیسه مغز در فقه: فقهای امامیه درباره اینکه سر انسان تحت چه جنایتی واقع می‌شود تا جنایت مأمورمه تحقیق یابد به بحث و بررسی پرداخته و با مذاقه در آرای موجود، می‌توان دو تعریف مهم را مورد مطالعه قرار داد. اولین تعریف موجود از مأمورمه که گویای نوع جنایت

می‌شود آسیب جمجمه در تحقیق مأمورمه یک امر ضروری و از جمله فروض ماهیت جنایت مأمورمه است زیرا آلت جنایت، چگونه ممکن است پوست سر را بشکافد و تا مرز کیسه مغز نفوذ کند اما به جمجمه سر آسیب وارد نیاورد، در حالی که مغز و کیسه مغز انسان در درون جمجمه محفوظ و پنهان است؟ شکل ۱ و ۲ بیانگر کیفیت پنهان شدن کیسه مغز در درون جمجمه انسان است.

بر اساس مطالب مذکور می‌توان دریافت که آسیب جمجمه در تحقیق مأمورمه یک امر اجتناب‌ناپذیر و جزو ماهیت جنایت مأمورمه است. از همین رو هرگاه جمجمه در جنایت مأمورمه مورد آسیب واقع شود، دیه یا ارش مستقلی نباید برای آن در نظر گرفت، زیرا آسیب جمجمه از ماهیت جنایت مأمورمه است و جنایت مأمورمه با همین آسیب‌ها مشمول یک سوم دیه کامل است. استفتای پیش رو می‌تواند در تأیید مطالب پیش‌گفته مؤثر باشد: «فردی در اثر ضربه واردہ به سرش، خونریزی داخلی مغزی پیدا کرده و جرحی به سر او واردہ نشده تا به کیسه مغز برسد. آیا این عمل به حکم مأمورمه است و جانی باید ثلث دیه را بپردازد یا ارش آن را؟ مورد سؤال ظاهرا از موارد مأمورمه نیست و از موارد ارش است. به همین دلیل تعیین ارش در این زمان به دقت ممکن نیست و اختلاف باید با مصالحه حل شود» [۲۴]. مذاقه در سؤال استفتای پیش رو می‌تواند در تحلیل مورد نظر بسیار مهم باشد، زیرا از عبارت «خونریزی داخلی مغزی پیدا کرده است و جرحی به سر او واردہ نشده» معلوم می‌شود که جمجمه مجنی‌علیه در آسیب مربوطه، هیچ‌گونه آسیبی ندیده و تنها مغز مجنی‌علیه مورد جنایت واقع شده است. از همین رو مأمورمه بدون جنایت مورد نظر در پاسخ استفتا قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

جنایت مأمورمه به عنوان یک جنایت خطرناک در فقه و قانون مجازات اسلامی دارای یک سوم دیه کامل است. جنایت مأمورمه بدون آنکه در امتداد جنایت دیگر یا بخشی

ارش است.

لزوم آسیب جمجمه در مأمورمه: بررسی‌های صورت گرفته در بخش «محل ایجاد مأمورمه» بیانگر آن بود که لزوماً جنایت مأمورمه در سر انسان واقع می‌شود، همچنین ارزیابی‌های انجام شده در بخش «طريق ایجاد مأمورمه» بیانگر لزوم وجود جراحت در تحقیق مأمورمه بود. ضمناً در بخش «کیفیت ایجاد مأمورمه» روشن شد که عمق جنایت مأمورمه تا قبل از ورود به کیسه مغز، لازم و ضروری در تحقیق مأمورمه است. بر اساس یافته‌های مذکور معلوم می‌شود اولین اقدام برای تحقیق جنایت مأمورمه، ورود آلت جنایت به پوست سر انسان است. ورود آلت جنایت با جرح پوست سر به عمق جمجمه نفوذ می‌کند و برای تحقیق مأمورمه باید بدون آنکه لازم باشد به کیسه مغز آسیب بزنند تا مرز کیسه مغز عمیق شود. وقتی چرخه تحقیق جنایت مأمورمه به شرح مذکور مورد تصور قرار می‌گیرد، معلوم



▲ شکل ۲- جمجمه بسته انسان



▲ شکل ۱- جمجمه بسته انسان

References

1. Al-Johari A. Al-Sehah Tajoloqah va sehah alarabia. Beirut: Dar al-elm lelmalayin. 1989. p. 2478-4432. [Arabic]
2. Ameli M. Wasa'el al-Shi'a. Qom: 'Al al-Bayt (peace be upon him) Institute. 1988. p. 179-383. [Arabic]
3. Bye HA. A Reflection on the Principle of "blood money for bone fracture". Quarterly for Islamic Law. 1974;12(44):31-36. [Persian]
4. Chigīnī, HR. Ānātumī Sar Wa Gardan. Tehran: Ḥiydarī. 2019. p. 75. [Persian]
5. Faraheedi Kh. Ketab al-'Eyn. Qom: Hijrat Publication; 1989. p. 6-21. [Arabic]
6. Hashemi Shahroudi M. Dictionary of Fiqh. Qom: Institute of Encyclopedia Islamic Jurisprudence according to the religion of Ahl al-bayat; 2005. p. 46. [Persian]
7. Helli Y. Nozaha al-Nazer fi Jam' Bayn al-Ashbah va al-Nazaer. Qom: Manshourat-e Razi; 1974. p. 152. [Arabic]
8. Hosseini Ameli SJ. Meftah al-Karama fi Sharh Ghava'ed al-Allama. Qom: seminary teachers' community; 1999. p. 486. [Arabic]
9. Ibn Davood Helli H. Rejal Ibn Davood. Tehran: University of Tehran Pulications; 1963. p. 113. [Arabic]
10. Khansari SA. Jame al-Madarek fi Sharh Mokhtasar al-Nafe'. Qom: Ismaelian Institution; 1984. p. 263. [Arabic]
11. Khomeini SR. Tahrir al-Wasila. Tehran: Organization for editing and publishing the works of Imam Al-Khomeini; 2013. p. 595. [Arabic]
12. KhooyeeSA. Tanqih. Qom: The institution to revive Imam Khooyee's Works; 1997. p. 471. [Arabic]
13. Koleini, AJM. Al-Kafi. Qom: Dar al-Kotob al-Islamia; 1986. p. 326-333. [Arabic]
14. Majlesi MB. Hodood, Ghesas and Diat. Tehran: Islamic Works Publication Institute. 1984. p. 115-120. [Arabic]
15. Makarem Shirazi N. New Verdicts. Qom: Imam Ali School Publication. 2006. p. 48. [Persian]
16. Moqaddas Ardabili A. Majma' al-Fa'eda va al-Burhan fi Sharh Irshad al-Azhan. Qom: Qom seminary teachers' community. 2001. p. 452-458. [Arabic]
17. Mostafavi H. Al-Tahghigh fi Kalemat al-Quran al-Karim. Tehran: The Center for the Translation and Publication of Books; 1983. p. 68. [Arabic]
18. Movahedi Lankarani MF. Jame' al-Masa'el. Qom: Amir Qalam Publication. 1994. p. 464. [Arabic]

از تمام یک جنایت دیگر باشد، دارای یک ماهیت مستقل است. ماهیت جنایت مأموره بر اساس شناسایی مختصات محل ایجاد مأموره، کیفیت ایجاد مأموره و طریق جنایت مأموره قابل شناسایی است. ارزیابی های فقه جزایی بیانگر آن است که محل جنایت مأموره منحصراً سر انسان است و در هیچ جای بدن یا صورت انسان قابل تحقق نیست. ذکر این گزاره لازم است که هر چند تحقیق مأموره، منوط به نفوذ آلت جنایت به جوف جمجمه است، اما جائمه نامیدن آن صحیح نیست زیرا جائمه از عناوین جراحت در جوف بدن است. کیفیت ایجاد مأموره که می تواند دو میان مختصات ماهیت مأموره را نمایان سازد، ارتباط مستقیمی با درگیر کردن اجزای سر انسان و عمق نفوذ آلت جنایت دارد. تحقیق جنایت مأموره با در نظر گرفتن کیفیت ایجاد مأموره از شکافتن پوست سر شروع می شود، به مرحله شکستن جمجمه سر رسیده و بدون آنکه ضرورتی بر آسیب کیسه مغزی باشد تا مرز کیسه مغز نفوذ می کند. اما سومین مختصات ماهیت مأموره در لزوم وجود جراحت در پوست سر قابل شناسایی است، زیرا مأموره از جمله جنایاتی است که با حدوث صدمه قابل تحقق نیست و وجود جراحت در بروز و ظهور آن موضوعیت دارد.

تأثید یه اخلاقی: مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با کد سمات ۲۱۵۴۷۵-۱۵۶۶۴ در دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) است.

تعارض منافع: نویسنده این مقاله اعلام داشته‌اند که هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

منابع مالی: موردی گزارش نشده است.

19. Najafi MH. *Javaher al-Kalam fi Sharh Shara'e al-Islam*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. 1983. p. 334. [Arabic]
20. Najashi A. *Rejal al-Najashi*. Qom: Qom seminary teachers' community. 1986. p. 209. [Arabic]
21. Rohani Qommi SS. *Minhaj al-Salehin*. Qom: No Name; 3: 353. [Arabic]
22. Sabzevari SA. *Mohazzab al-Ahkam*. Qom: al-Minar Institution. 1992. p. 12. [Arabic]
23. Sadooq M. *Man la Yahzorhoh al-Faqih*. Qom: Qom seminary teachers' community. 1992. p. 82-167. [Arabic]
24. Safi Golpayegani. *Jame' al-Ahkam*. Qom: Amir Qalam Publication; 2: 346. [Arabic]
25. Sanayee Zadeh H. *Forensics*. Tehran: Dadgostar: 2015. p. 66. [In Persian]
26. Shahid Thani Z. *Masalik al-Afham ilā Tanqīh Sharayi' al-Islam*. Qom: al-Ma'aref al-Islamia Institute. 1992. p. 452. [Arabic]
27. Tabatabaei A. *Riaz al-Masa'el*. Qom: 'Al Bayt (peace be upon him) Institute for Revival of Heritage; 1983. p. 556. [Arabic]
28. Tūsī, M. *Tahzib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia. 1986. p. 247-300. [Arabic]
29. Toreyhi FA. *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Mortazavi Bookstore. 2005. p.14. [Arabic]
30. Tūsī, M. *al-Khilaf*. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1986. p. 292. [Arabic]
31. Tūsī, M. *al-Mabsūṭ fī Al-Fiqh al-Imāmīyyat*. Tehran: al-Maktabat al-Murtadawīyyat Li-lḥyā' al-Āthār al-Ja'farīyyat. 2008. p. 122-191. [Arabic]
32. Waseti Zobeidi MA. *Taj al-Aroose min Javaher al-Qamoos*. Beirut: Dar al-Fekr lil-teba'a va al-nashr va al-tozi'. 1993;16:29. [Arabic]
33. Zargarian T. Re-reading of Damigha Injury in Islamic Penal Code; from the Conceptology to the Identification of the Ruling (a Critical Research on Legislation over Clause E of Article 709 of IPC). Religious Researches. 2023;19(3):175-83.